

بایاتیلار

گردآوری و تألیف :

بهمن بهرام پور

سرشناسه	:	بهرامپور ، بهمن، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	بایاتیلار / گردآوری و تألیف بهمن بهرامپور.
مشخصات نشر	:	ارومیه: ایلک آی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۲۵۸ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۱-۷۷-۱
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	شعر ترکی آنریلیجلی - ایران - قرن ۱۴ - مجموعه ها
موضوع	:	th century -- Collections ۲۰ Azerbaijani poetry -- Iran --
موضوع	:	دوبیتی های ترکی
موضوع	:	Couplets, Turkish
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۶ ب۲ / پ۹ / PL۳۱۴
رده بندی دیویی	:	۳۶۱۱۰۸ / ۸۹۴
شماره کتابشناسی	:	۴۸۱۶۲۸۰



عنوان کتاب: بایاتیلار

گردآوری و تألیف: بهمن بهرام پور

ناشر: ایلک آی

قطع: وزیری

چاپ اول: ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۱-۷۷-۱

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

آدرس: ارومیه خیابان امینی - ساختمان امیر چوپانی - طبقه ۲ - واحد ۵ - تلفن: ۰۹۱۴۳۴۹۵۵۲۷

بایاتیلار

(بایاتیاها)

دوبیتی‌های بومی ادبیات شفاهی آذربایجان که در اکناف این دیار با نام «بایاتی» شهرت دارد یکی از رایج‌ترین انواع منظوم ادبیات عامیانه این سرزمین است. بایاتیاها را به نظر انسجام شکل، وسعت مضمون، ترنم موسیقی و تموج ذوق و احساس در ردیف جذابیت این سرانگ زترین آثار بدیع فولکلوریک جای می‌گیرند. این نغمات نغمه دلکش که از زندگی و عواطف و رازها و نیازهای مردم ساده و پاک دل مایه می‌پذیرند و در قالب الفاظی روان و بی‌تکلف جان می‌گیرند، از چنان لطف و خلوص و صفا و صراحتی برخوردارند که به خصوص وقتی با آهنگ ویژه خود و با نوائی گیرا خوانده شوند، عنان از کف دل می‌ریزند و حساسیت را به چهره احساس می‌افشانند. ارادت و اعتقاد مردم ساده صحرا و شهر و روستا به این آثار موزون و دل‌فریب تا بدان پایه است که بایاتیاها را حسب حال و آینه سربوشت، نمایی خویش می‌پندارند و بهنگام ملال و سرگستگی و حرمان بر آن توسل می‌جویند و به عنوان تن‌آزار آن مدد و مراد می‌طلبند.

عنوان بایاتی، به احتمال زیاد از نام «بیات» یا «بایات» مأخوذ است. بایاتیاها از جمله قبایل متعددی بودند که در دوران‌های کوچ و اتراق به آذربایجان آمده و در آنجا سکنی گرفته‌اند و بعدها در ترکیب مردم این دیار مستهلک گشته‌اند.

حدس انتساب «بایاتی» به بایاتیاها وقتی قریب‌به‌یقین می‌شود که در موسیقی فولکلوریک آذربایجان نیز به نواهایی از قبیل «افشاری» و «گرایی» برمی‌خوریم که عنوان آنها نیز از نام قبایل و اقوام گرفته شده است. به‌طوری‌که از منابع و قرائن برمی‌آید، بایاتیاها از موسیقی و ادبیات غنی و سرشاری برخوردار بوده‌اند که پس از کوچ و اسکان در این ناحیه، به

مقیاس وسیعی شیوع یافته و در موسیقی و ادبیات عامیانه نواحی هم‌جوار تأثیر گذاشته است و ما نشانه این تأثیر را در موارد زیاد و از آن جمله به‌صورت مترادف کلمه بایات با نام برخی از دستگاه‌های آواز ایرانی و نیز به‌صورت دستگاه آواز مستقلی بنام «بیاتی» در ترکیه مشاهده می‌کنیم.

نمونه‌های اولیه بایاتها مسلماً در آغاز امر به‌وسیله شعرا و نوازندگانی که در ادبیات و موسیقی عامیانه آذربایجان بنام عاشق اشتها دارند، به سبک نظم در آمده است. در جریان قرن ده الی سیزده هجری، ما به شعرا و نغمه‌پردازانی مانند اسمانی، عزیزی، سبازی، عاشق، صالح، مجروح، معصوم، بی‌کس، واقف، سالک، ذاکر و دیگران برمی‌خوریم که نمونه‌های دست‌اول بایاتهای آنان در جنگ‌ها و دست‌نویس‌های مربوط به ادوار فوق بجای مانده است. سرایندهان مذکور، در ضمن سرودن نغمات و نواهای مختلف که معمولاً به همراه ساز اجرا می‌شده، بایاتی نیز گفته‌اند و بخصوص بایاتیهای عزیزی و سبازی عاشق در میان مردم دهن به دهن گشته و رواج یافته است.

ولی بایاتی‌هایی که اکثریت مقیاس وسیع در میان مردم رواج دارند، خواه احتمال شناختن سراینده و مصنف آنها در میان باشد، یا نه تعلق به عامه دارند؛ زیرا خلق در طول نسل‌ها آنها را سینه‌به‌سینه بازگو کرده، آنچه از آن به زبان ذوق و سلیقه خود بیگانه دیده، به یکسو نهاده و به اقتضای احساس و خواسته‌های عاطفی خود در آن دگرگونی‌ها داده و به این ترتیب سکه فردی را از روی آنها زدوده و به تالاک سنجینه فولکلوریک عامه در آورده است.

بایاتیها از نظر قالب شعری، از انواع دیگر ادبیات منظوم شفاهی به تمایز می‌گردند. وزن بایاتیها مانند انواع اصل دیگر ادبیات منظوم شفاهی آذربایجان بر احساس وزن هجائی (سیلابیک) استوار است. بایاتی از چهار مصرع ترکیب می‌شود که در آن، مانند رباعی سه مصرع ۱ و ۲ و ۴ هم‌قافیه و مصرع سوم آزاد است. از نظر افاده معنی و منظور، مصرع‌های اول و دوم درآمد دو مصرع سوم و چهارم محسوب می‌شود و منظور اصلی نیز عموماً در دو مصرع آخر مطرح می‌گردد:

«عزیزیه م، گول اللر،
 آغ بیلکلسر، گول اللر،
 دریاچا عقلین اولسا،
 یوخسول اولسان گوللسر،»
 «آپاردی چایلار منی،
 هفته لر، آیلار منی،
 یوکوم قورقوشوم یو کی،
 یؤردی بو تایلار منی.»

در این بایاتیها دو مصرع اول درآمد و برداشتی است که به منظور بیان اندیشه و احساس سخن در دو مصرع آخر طرح شده است؛ بنابراین، وظیفه دو مصرع اول ایجاد زمینه موافق برای بیان و اندیشه مصرع بعدی است. مصرع‌های اول و دوم معمولاً با یک وصف طبیعت و با وصف حال و به‌هم‌رکلی با توصیفی مشهود و قابل لمس آغاز می‌شود و زمینه را برای طرح یک واقعیت، دانش‌ان که برای گوینده مطرح است، فراهم می‌سازد. این خصوصیت، یکی از جنبه‌های متمایز نوع بایاتی بوده و موجب آن می‌گردد که دو مصرع اول چون فی البدیهه و به‌فردت در ذهن خواننده عنوان می‌شوند، در دو یا چند بایاتی هم‌شکل و متقارن باشند. ولی مصراع‌های سوم و چهارم مضامین و معانی متغایر و مستقل از هم پیدا کنند:

«من عاشیغام هرآیلار،
 هر اولدوز لار، هر آیلار،
 سوسوزونسدان هارایلار.»
 «من عاشیغام هرآیلار،
 هر اولدوز لار، هر آیلار،
 باشیم جلااد الینده،
 دلیلم سنی هارایلار.»

بایاتیها از نظر وزن همیشه هفت هجائی هستند ولی از لحاظ وجود تقطیع در مصراع‌ها یکسان نیستند.

یک عده از بایاتها بدون تقطیع هستند. بعضی دیگر به صورت ۴+۳ و برخی به شکل ۴+۳ تقطیع می‌شوند. در یک عده بایاتیها ترتیب تقطیع در مصرع‌ها نیز به هم می‌خورد و پس‌وپیش می‌شود ولی این تغییر محل تقطیع، هیچ‌گونه سکنه‌ای بر روانی و سلاست آن وارد نمی‌سازد.

از جنبه‌های بدیعی و لفظی ممتاز بایاتها، روانی و انسجام خاص آنهاست. بایاتیها رنگ‌آمیزی و زیبایی‌های شگفت زبان خلق را به‌طور وسیع در خود جای می‌دهند. قالب‌های کوتاه و روان و منسجم این نغمات احساس انگیز، از هر نوع عبارت‌پردازی و تصنع برکنار بوده و در عین سادگی، خوش‌رنگ‌ترین بدایع لفظی را از تعبیر و تشبیه و کنایه و استعاره و مجاز در بافت خود پخش می‌زنند. کمی دقت در بایاتیهای زیر که برحسب تصادف از ردیف صدها بایایی نقل می‌شود، می‌تواند چشم‌اندازی از این بدایع را در دیدگاه ذوق و احساس نمایان سازد:

داغلارا، موم، ن، تۆکسه،

او دا من چاکش آه‌ندی.

قبله دئسم ناهیدی

«قاشلارین قبله گاهیدی،

«عاشق سؤزون گیزله در،

سؤزون دوزون گیزله در،

سن چمنه چیخاندا،

«نه نه گیزله در.»

تۆک زولفون سینن اوسته،

گورن نارامار ایندی.

یاش تۆکر، یومار ایندی،

«گوزلرین خمار ایندی،

«آچیلارام گول ایندی،

اوخورام بولبول کیمی،

گؤیلومه دگن اولسا،

سارا لام سنبل کیمی.»

یکی دیگر از زیبایی‌های لفظی بایاتیها بکار رفتن ظریف و ماهرانه جناس در این نوع

شعر شفاهی است:

هجران قویماز گوز آچام،

درد قویماز گولم باری.»

«من عاشق باشند یارا،

آرتیبدی باشند یارا،

منی حسرت یاراتدی،

یارادان باشند یارا.»

بایاتیها از نغمه نظر محتوی و مضمون، از یکسو مظهر و آینه زلال عشق و آرزو و امید و رنج و شادی و آسوی دیگر کتاب ناگشوده معتقدات و آداب و رسوم و خصائل و خلق و خوی قومی انسان‌های ساده و پاک‌دا در طول نسل‌ها و قرن‌هاست.

نقش فائق و چشم‌گیر ذی و احساس انسانی در ابداع و حراست این آثار، برای آن عده از افراد که آثار فولکلوریک را صرفاً محصول فانتزی و عوالم رؤیائی و خیال‌پردازی عامه می‌پندارند، در مورد بایاتیها نیز این تصور را ایجاد کرده است که این نوع ادبیات عامیانه را نیز تراوش ذهنیات خلق به تصور آورند و محتوی و مضمون مندرج در آن‌ها را عوالمی دور از تأثیر و جاذبه زندگی عینی قلمداد کنند. در صورتی که با یک بررسی سطحی مسلم می‌گردد که این آثار نغز و پرسوز، قبل از هر چیز، از زندگی پر زنجیر و فراز مردم مایه گرفته است.

مسلماً جنبه غنائی بایاتیها، طرح مضامین عشقی و شور و حال را در آن‌ها در درجه اول قرار می‌دهد. باین حال قالب بایاتی، اولاً در پذیرش و منعکس مائیل و موارد مختلف و همه‌جانبه ذوق و اندیشه عامه از این حدود مرسوم فراتر می‌رود. مضامین گوناگونی را در ابیات کوتاه خود بازگو می‌کند و ثانیاً در بایاتیهای عاشقانه هم که سرچشمه آن ظاهراً عشق و شوریدگی و دلبری و دلباختگی است، نشانه‌های برجسته زندگی عینی خلق نمودار است. مطلب اینجاست که در همین بایاتیهای عاشقانه، جنبه حزن و نامرادی و حسرت و درد و فغان بر جنبه نشاط و شادی تفوق دارد.

چقدر نابجا خواهد بود اگر چنین به تصور آید که این چیزی مربوط به عوالم ذهنی و رؤیائی سراینندگان و پردازندگان این آثار بدیع است. این گرایش ذوق و احساس، در درجه

اول انعکاس طبیعی و اجتناب‌ناپذیر زندگی دشوار و پرسوزوگدازی است که انسان در گذشته با سرنوشت خود بر آن بسته بوده است.

در دورانی که جان و تن انسانی در زیر یوغ تعدی و ستم و بی‌عدالتی‌های اجتماعی منکوب می‌شد و نشاط و خنده در لب‌ها می‌خشکید و عشق و امید و آرزو بجای شگفتن و ثمر دادن به صخره‌های ناکامی‌ها و ناپسامانی‌ها می‌خورد و موجی از دلهره و شکوه و رنج در دل و روح انسان برمی‌انگیخت هریک از این‌ها به تنهائی مجوزی بود که انسان از درد و رنج بنالد و بگوید:

خزان اولدوخ تۆکولدوخ،

ونئان باغللار کیمی،

دردیم ما، داغلار کیمی،

«آغرام آغلار کیمی،

«دومانلی داغلار گۆیلوم،

نیسگیلی باغلار گۆیلوم،

نه آچیلار، نه گولر،

همیشه آغلار گۆیلوم.»

موسیقی غم‌انگیز و سوزناکی که در بیان کلمات ساده این دوبیتی‌ها موج می‌زند، حسب‌حال و ترنمات قلب و احساس انسان سوریخت حسرت کشیده و محنت‌دیده‌ای است که در طول نسل‌ها و قرن‌ها ناکامی‌ها و نامرادی‌های قرن‌تر از کامیابی‌ها بوده است. سرزمین آذربایجان، به اقتضای موقعیت جغرافیایی خاص و مواهب طبیعی سرشار خود، قرن‌ها مورد هجوم مهاجمان و عرصه تاخت‌وتاز یغماگران بوده است. این یورش‌ها و شمارها زندگی و آرامش مردم بی‌پناه را درهم ریخته و چه‌بسا آنان را بترساند و دیار خویش ناگزیر ساخته است و تعداد کثیری از آنان را مانند بردگان زر خرید به نقاط دوردست و غربت رانده است. دوری از وطن و احساس غربت و شمه‌ای از این ناگواری‌ها و ناپسامانی‌ها مضمون و مایه یک رشته دیگر از بایاتی‌ها گشته است:

«غریته دوشدی یۆلۈم،

دشمن آلیب ساغ- سۆلۈم،

«مَن عاشق آه و زاردا،

ائلدن آیری دوشه لی،

جـسانیم دردده، آزاردا،

بوخوو لا نیبدی قولۈم.»

او گوندن که قول اولدوم،

ساتیلدیم هر بازاردا.»

در این بایاتیها، هیجانات قلب پر دردی را که در شرایط غربت دچار خفت و خواری

اسارت و بردگی گشته می‌توان لمس کرد.

انسان که با تارهای جسم و جانش به زادگاه و موطن خود پیوند دارد، وقتی به‌اجبار از

آن دور افتد، غم به باغ شقایق و خاطره وطن خواهد زیست و حتی دریوزگی در وطن را بر

بی‌نیازی در دیار غربت ترجیح خواهد داد:

«عزیزیم وطن یاخشی،

کۆینگى کتان یاخشی،

«عزیزیم م دیلن گز،

غربت یئر جنت اولسا،

اندادا گوله دیلن گز.

ینه ده وطن یاخشی.»

غریبه خان اولونجا،

وطنینده دایم گز.»

دردی جانکاه از این همه حسرت و ناکامی و شوربختی بر روح و احساس انسان سرازیر

می‌شود و به ساز و نغمه او آهنگی سوزناک و ترنمی حزن‌آلود می‌بخشد:

«فلکین داد الیندن،

اولمادیم شاد الیندن،

یامان یئرده ییخیلیدیم،

توتمادی یاد الیمدن.»

«سوتک آرخا دؤلانیدیم،

ساپ تک چارخا دؤلانیدیم،

ظالم فلک الیندن،

قۇرخا - قۇرخا دولانیدیم.»

«باهاسیز داشدی دنیا،

چوروک آغاشدی دنیا،

کیمه دنییم دردیمی،

بوتون قان- یاش دی دنیا.»

تنوع و رنگارنگی سمور، یکی از جنبه‌های برجسته بایاتهاست. از میان انواع قالب‌های گوناگون ادبیات منظوم عامیانه، نوع بایاتی در احاطه و ترنم مسائل و حقایق مختلف زندگی خلق متمایز است. جنبه تنوع مضمون در نوع بایاتی به قدری نمایان است که برخی از گردآورندگان و مصنفین بایاتیه‌ها، اساس کار خود را بر تقسیم‌بندی آن‌ها از نظر محتوی و مضمون قرار می‌دهند و بایاتیه‌ها را در زیر سرفصل‌های معینی مانند: بایاتیه‌های عاشقانه و وصف حال، زندگی خانوادگی، رنج و نارضایتی، فراق و انتظار، صداقت و مردانگی، پند و حکمت، معتقدات و پندارها و از این قبیل تدوین می‌کنند. همه گوناگونی بایاتیه‌ها از نظر محتوای گواه مؤکد دیگری است بر اینکه سرچشمه جوشان بایاتیه‌ها زندگی است، زندگی خلق با تمام گوشه‌ها و سایه‌روشن‌ها و نشیب و فرازهای آن.^۱

^۱ - در مجموعه حاضر، بملاحظات از تقسیم بندی بایاتیه‌ها زیر سرفصل های جداگانه اجتناب شده و تمام آن ها حتی «آغی‌ها» و احیاناً تعدادی از نغمه‌ها که در شکل و قالب بایاتی گفته شده زیر یک سرفصل گرد آمده است و تنها «سایاچی سؤزلری» و «لایلار» با سرفصل های جداگانه چاپ شده است.